

آچارکشی

بخیه مجانی موجود است

● **بوریا عالمی:** از قدیم هم گفتند که هرچقدر پول بدهی آتش می‌خوری. الان به جایی رسیدیم که اگر پول نداشته باشیم نه‌تنها آدم را بخیه نمی‌زنند که بخیه آدم را هم با می‌کنند. این کار را چه‌کسی کرده؟ یک پزشک در بیمارستانی دولتی در اصفهان. الان ما بگویم یک پزشک این کار را کرده فردا جامعه پزشکی می‌گوید به ما توهین شد. ولی جامعه پزشکی نگران نباشد. ما بررسی کردیم دیدیم این دوست عزیزمان پزشک نبوده و احتمالا اهل بخیه است. اهل بخیه هم که می‌داند روی بخیه حساس هستند. ما جای جامعه پزشکی باشیم خودمان پیش‌قدم می‌شویم و به مدت یک هفته مردم را مجانی بخیه می‌زنیم تا این موضوع را فراموش کنند. اصلا طوری که مثلا طرف برای سرماخوردگی آمده، پزشک مربوطه یک بخیه هم بزند براش مجانی. ما مردم هم از بس پول دادیم یک چیزی که مجانی باشد نمی‌پرسیم چیست و سریع صف می‌ایستیم که از دست‌مان نرود. وقتی پزشکان مردم را بخیه مجانی بزند مردم نه‌تنها ضایعه پزشک اصفهانی را فراموش می‌کنند که عاشق باقی پزشکان می‌شوند و مسئله حل می‌شود.

راهکار بابابزرگ‌ما

بهترین کار را بابابزرگ ما می‌کرد که قانون زندگی‌ش این بود که خودش خشک می‌شود و می‌افتد. جاییش هم درد می‌گرفت دکتر نمی‌رفت و می‌گفت از هرجا درد گرفته از همان‌جا هم خوب می‌شود.

چند احتمال پزشکی

این از این. اما ما خوشحالیم که این استاد اهل بخیه مثلا ارتوپد نبوده. وگرنه اول استخوان را جا می‌انداخته. بعد که می‌دیده طرف پول ندارد، می‌زده می‌شکسته. یا اگر مثلا چشم‌پزشک پول لاید اول این یکی چشم را خوب می‌کرد بعد می‌زد آن یکی را درمی‌آورد. یا اگر مثلا پزشک زایمان بود که همه چیز می‌ریخت به‌هم و قصه می‌شد. یا اگر مثلا مریض تنگی نفس داشت بعد از درمان اگر پول نداشت در اتاق را می‌بست که مریض تنگی‌نفس بگیرد. یا اگر مثلا پزشک درد دست طرف را خوب کرده بود، بعدش اگر مریض دستش تنگ بود و پول نداشت، پزشک‌ه دست مریض را می‌گذاشت زیر سنگ که الا و بلا باید پول بدهی. یا اگر پای طرف را خوب کرده بود و مریض پول یک قلم دوا را نداشت لاید پاش را قلم می‌کرد. چه می‌دانیم. آدم باید آرزو کند اگر گیر آن پزشک اصفهانی افتاد مشکلس در حد بخیه باشد که با بازویسته‌کردن برطرف شود.

نظر مثبت وزیر

البته وزیر بهداشت سریع موضع شفافی گرفته و نظر مثبتش را اعلام کرده و چیزی را تکذیب نکرده و گفته این اتفاق در بیمارستان دولتی اصفهان افتاده. همین مسئله جای جشن و پایکوبی دارد چون تا الان این‌طوری بوده که اول تکذیب شود بعد هم خاطره تعریف کنیم و دور هم سرگرم شویم. خلاصه ما که ترجیح می‌دهیم جای اینکه گذرمان به بیمارستان بیفتد، هرچند گذر پوست به دباغ‌خانه می‌افتد، دلمان را بگذاریم روی کولمان و برویم توی افق گم شویم و خلاص.

همین حوالی

دنیا را نارنجی کنید

● کمیپنی آغاز شده است که برای رفع خشونت از زنان سراسر جهان تلاش می‌کند. این کمپین را سازمان ملل با عنوان «دنیا را نارنجی‌کن» آغاز کرده و تا چند روز دیگر ادامه دارد و قرار است برای آگاهی‌رسانی درباره خشونت علیه زنان فعالیت کند. دبیرکل سازمان ملل متحد هم در پیامی به مناسبت روز جهانی حذف خشونت علیه زنان، گفت: «تقریبا امروزه نیمی از ۶۰ میلیون مردمی که به‌اجبار آواره می‌شوند را زنان تشکیل می‌دهند. بسیاری از این زنان که به دلیل جنگ و خشونت فراری شده‌اند، غالبا در جوامع میزبان به‌وسیله قاچاقچیان پست‌فطرت استثمار و بارها دچار تبعیض جنسیتی و بیگانه‌ه‌راسی می‌شوند. جنایات خشن علیه زنان و دختران در مناطق درگیری به‌همراه بدررفتاری‌های خانگی که در تمامی کشورها رخ می‌دهد، تهدید بزرگی علیه پیشرفت است. زنان و دختران در اوضاع درگیری‌های مسلحانه دچار رنج‌های عذاب‌آور گوناگون، تجاوز، بردگی جنسی و همچنین قاچاق می‌شوند». دبیرکل سازمان ملل تمامی مردم را فراخواند تا برای خاتمه خشونت علیه زنان و دختران تلاش کنند. دیگر نهادهای تابعه سازمان ملل از این حرکت دفاع کرده‌اند.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۷ آذر ۱۳۹۴ • ۲۶ صفر ۱۴۳۷ • ۸ دسامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۶۶ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



تخته سبز

۱۲۰هزار تومان هزینه کشتن ۶۴ پرنده آبزی

پرسش‌های زیادی را در بین دوستداران طبیعت به وجود آورده است. اینکه چرا چنین یورشی سهمگین به تالاب‌های شمالی کشورمان درست هم‌زمان می‌شود با آغاز صدور پروانه‌های شکار پرندم توسط سازمان محیط‌زیست؟ اگر سازمان متولی، خود حرمت امامزاده را نگاه می‌داشت و چنین حاتم‌بخشی‌ای با صدور پروانه شکار پرندۀ نمی‌کرد، آیا شکارچیان چنین گستاخ‌تر می‌شدند؟ اگرچه سازمان مدعی است پروانه‌های شکار صادره در ۲۱ استان صرفا برای مناطق آزاد است، اما پرسش

این است که وقتی سازمان محیط‌زیست با این بودجه و توان و منابع انسانی اندکش با وجود همه رشادت‌های محیط‌بانان، قادر به حفظ مناطق تحت‌الحفظش از جنگ شکارچیان هم نیست پس به پشتوانه کدام نیرو و مأمور و ناظر، اقدام به فروش ده‌ها‌هزار پروانه شکار پرندۀ در خارج از مناطق تحت حفاظتش می‌کند؟

اگر به یاد بیاوریم که تنها در استان گلستان در سال ۹۲ برای بیش از هفت‌هزار شکارچی، پروانه شکار پرندۀ صادر شد یا یک حساب سرانگشتی می‌توان گفت که احتمالا امسال نیز برای سه استان شمالی حداقل جمعا ۱۶هزار مجوز شکار پرندۀ صادر شده است. هر شکارچی به ازای پرداخت ۱۲۰هزارتومان به سازمان محیط‌زیست، مجاز است برای دو ماه و به تعداد دو روز در هفته ۶۴ پرندۀ آب‌زی را از پا دربیآورد- تازه با فرض اینکه شکارچی تخلف نکند!- این به این معناست که سازمان محیط‌زیست مجوز شکار حداقل یک میلیون و ۲۵هزار پرندۀ مهاجر آب‌زی را فقط در سه استان شمالی برای سال جاری صادر کرده است (آن‌هم پیش از زمان سرشماری پرندگان مهاجر!!). حالا به این‌همه اضافه کنید شمار شکارچیان متخلفی را که نه مجوز می‌شناسند و نه محیط‌بان و سازمان و باز هم به این‌همه اضافه کنید صیادان مازندرانی را که نه با تیر و تفنگ، بلکه با تورهای هوایی و دام هرساله بیش از ۷۰۰هزار پرندۀ مهاجر را در فریدونکنار، سرخرود، محمودآباد و نور سلاخی کرده و به فروش می‌رسانند بی‌آنکه ممانعتی از سوی سازمان محیط‌زیست در برابر آنها صورت گرفته باشد!



مزگان جمشیدی



پرندگان مهاجر

آشوراده، میانکاله و گمیشان و بسیاری از تالاب‌های شمالی کشورمان در واپسین روزهای هفته گذشته درحالی به صحنه جنگ و کشتار پرندگان مهاجر تبدیل شد که این روزها رسانه‌های آمریکایی از ورود خیل عظیم پرندۀ‌نگرهای آماتور آمریکایی (Bird watcher)

به تالاب‌های این کشور خبر می‌دهند؛ طبیعت‌گردان عاشق پرندۀ که این روزها تعدادشان از مرز ۴۵ میلیون نفر در ایالات متحده گذشته و هرساله درآمدی معادل ۸۵ میلیارددلار عاید اقتصاد این کشور می‌کنند.

اما در نقطه مقابل در ایران آنچه روزبه‌روز کم‌رونیق‌تر می‌شود، تورهای پرندۀ‌نگری است و درعوض هرساله فقط به شمار مهاجران و شکارچیان حیات‌وحش و فروشندگان سلاح و مهمات افزوده می‌شود و سازمان محیط‌زیست که باید متولی حفظ تنوع زیستی کشور باشد عملا به بازار پروانه شکار پرندۀ تبدیل شده است.

فاجعه هفته گذشته و محاصره آشوراده با بیش از ۱۶۰ فروند قایق حامل شکارچی،



مجتبی راعی

به مناسبت نزدیک‌شدن به روز جهانی مبارزه با فساد، بد نیست که به مسئله فساد در کشور خودمان از زاویه تازه‌ای بنگریم. آنچه که امروز از نگاه من بزرگ‌ترین چالش مبارزه با فساد در کشور محسوب می‌شود، «عادی‌شدن» آن است. تا جایی که خاطراتم را در روزهای اول انقلاب اسلامی پیگیری می‌کنم به یاد نمی‌آورم که در آن زمان، مسئله فساد در کشور تا این حد عادی شده باشد که امروز است. هم‌نسلان من به یاد دارند که در اوایل انقلاب، اگر رشوه‌ای در یک اداره کوچک ردوبدل می‌شد، مردم شهر با شگفتی از آن سخن می‌گفتند و حالا کار به جایی رسیده که در مواجهه با اخلاص‌های بزرگ و کلان نه کسی تعجب می‌کند و نه کسی نکان می‌خورد!

پیشنهاد

خدمت به حقیقت

هلیا آبادی: آلبر کامو در سخنرانی‌اش در دانشگاه اوپسالا که بعد از دریافت جایزه نوبل ادبی در سال ۱۹۵۷ ایراد کرده، به وظیفه هنرمند در قبال زمانه و مردمش اشاره کرده است: «در ۱۵۰ سال اخیر، نویسندگانی که در جامعه سوداگر زیسته‌اند، به‌جز چند استثنا تصور می‌کرده‌اند که قادرند با نوعی بی‌مسئولیتی به خیر و خوشی سر کنند. البته که سر می‌کرده‌اند، اما در تنهایی از دنیا می‌رفته‌اند، همان‌طور که در تنهایی هم زندگی کرده‌اند و ما نویسندگان قرن بیستم نباید دیگر در تنهایی بمانیم و برعکس، باید بدانیم که نمی‌توانیم از مصائب مشترک بگریزیم و یگانه کار موجه ما (اگر کار موجهی وجود داشته باشد) این است که با نهایت توانمان حرف کسانی را بزنیم که نمی‌توانند حرف خود را بزنند. باید حرف همه کسانی را بزنیم که اکنون در همین لحظه دارند رنج می‌کشند، صرف‌نظر از افتخارهای گذشته و آینده دولت‌ها و احزابی که این کسان را سرکوب می‌کنند. ازهمین‌روست که حتی امروز، و به‌خصوص امروز، زیبایی نمی‌تواند در خدمت چیزی باشد جز رنج و آزادی انسان‌ها. هنرمند واقعا متعهد کسی است که اگر هم در مبارزه شرکت نمی‌کند لااقل به ارزش‌های منظم

بلکه درس برادری صمیمانه است». این سخنان می‌تواند این علامت سؤال را به وجود آورد که واقعا چنددرصد از هنرمندان یا فعالان هنری که می‌شناسیم به این شیوه قائل هستند یا اصلا می‌توان رفتار و انجام وظایفشان را با این رویکرد مورد بررسی قرار داد. این نگاه که نویسنده، هنرمند یا صاحب اثر چه رفتار اجتماعی و سیاسی باید داشته باشد؟ چه کنش‌هایی باید داشته باشد؟ چگونه می‌تواند در قبال جامعه خود تاثیرگذار باشد. نویسندگان مطرح خود در قبال آنچه به آن می‌پردازند و آنچه وظیفه خود می‌دانند حساسند. جالب‌تر آنکه حتی نویسندۀ‌های مانند «مویان» که در بخش ادبیات فرهنگستان هنر ارتش آزادی‌بخش خلق پذیرفته شد، در بیانیه نوبل خود در سال ۲۰۱۲ می‌گوید: «مان نیوس، به‌عنوان عضو جامعه، حق دارد موضع و دیدگاه خودش را داشته باشد، اما وقتی می‌نویسد باید موضع انسان‌دوستانه اتخاذ کند و طبق چنین موضعی بنویسد. در این صورت، ادبیات نه‌فقط از رویدادها برمی‌خیزد بلکه رویدادها را ارتقا می‌بخشد و نه‌فقط دغدغه سیاست از خود نشان می‌دهد، بلکه بزرگ‌تر از سیاست می‌شود». برای آشنایی بیشتر با رویکرد نویسندگان جهان، ویراست دوم کتاب «خدمت به حقیقت، خدمت به آزادی» خطابه‌های برندگان جایزه نوبل ادبیات با ترجمه رضا رضایی منتشر شده است. این کتاب که نشر نگاره آفتاب آن را منتشر کرده است، خطابه پاتریک مودیانو، نویسنده برنده نوبل ۲۰۱۳ را نیز دربر می‌گیرد. این ترجمه‌ها پیش از این در نشریه نگاه نو منتشر شده بودند و اکنون در ۲۶۰ صفحه با قیمت ۲۰هزارتومان منتشر شده است.



تازه‌ترین شماره هفته‌نامه «کتاب هفته» با گزارش دیدار دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن روانه پیشخوان مطبوعات شده است. در شماره ۸۴ این هفته‌نامه، به بهانه تولد ۹۰سالگی استاد اسلامی‌ندوشن، از او درباره این روزها و فعالیت‌هایی که مشغول به آنهاست سؤال پرسیده شده و او

سلام به فردا

فساد؛ جرمی که عادی شده است

هر چیزی را تا مدتی می‌توان پنهان کرد اما به‌خفابردنش، زمینه رشد آن را در محیطی پنهان و امن فراهم می‌کند تا جایی که آن چیز، خودش را از پستو بیرون می‌کشد و به جامعه عرض‌اندام می‌کند؛ رواج رشوه، پول زیرمیزی، دروغ‌های مصلحت‌آمیز و... همه‌وهمه نشانه‌ای از زیست پنهانی فساد در جامعه دارد و اگر وادار به آشکارشدنش نکنیم، شاهد روزهای نگران‌کننده‌تری هم باید باشیم. قدمی که می‌توان پس از افشاسازی فساد برداشت، رسیدگی سریع و قدرتمند به آن است چراکه همه می‌دانیم، به غیر از اجرای عدالت، جامعه راه دیگری برای بازسازی و بازپیرایی خود ندارد. نهم دسامبر (هجدهم آذر) که در تقویم جهانی روز مبارزه با فساد است، فرصت مغتنمی است برای دولتمردان و جامعه که از روایه‌های مختلف به این مسئله بپردازند، آن را تحلیل کنند و زوایای نادیده‌اش را بکشایند به این امید که دوباره، شگفتی از بروز فساد، جای عادی‌بودن آن را در جامعه بگیرد.

گزارش فردا

واکنش داوودنژاد، ناصری و قانعی‌راد به دعوت نقد رئیس‌جمهور

دولت تعارف نمی‌کند، اما شرایط هم فراهم نیست

رئیس‌جمهور را کسم می‌کند این است که دولت ساختارهای نقد را فراهم نمی‌کند. رئیس دولت باید ساختارهای لازم را برای ازبین‌رفتن رکود و پایین‌ریختن دیوارهای بی‌اعتمادی در دانشگاه‌ها فراهم کند. دولت باید برنامه‌هایی برای اصلاح نظام آموزش عالی، گفت‌وگویی‌کردن فضای دانشگاه، کاهش فشارهای ناشی از نیروهای غیرگفت‌وگویی خارج از دانشگاه بر دانشگاه، دادن ضمانت اجرائی بیشتر به دانشگاهیان و تغییر فضایی که فقط محدود به مقاله‌دادن یا تدریس در کلاس‌های درس چند انفری شده است، اجرا کند. درواقع فراتر از دعوت باید اقداماتی برای کیفی‌سازی دانشگاه و گسترش گفت‌وگو در خود دانشگاه‌ها انجام گیرد». او تاکید می‌کند: «اگر بخواهم نظری منصفانه در این زمینه داشته باشیم، باید بگوییم که هم دانشگاهیان باید این دعوت را جدی بگیرند و هم خود رئیس‌جمهور به این دقت کند. در شرایطی که بخشی از دولت از بازاری‌شدن آموزش دفاع می‌کند و جهت‌گیری مالی و پولی در زمینه آموزش عالی در دولت شکل گرفته است، کارکرد انتقادی دانشگاه کم می‌شود و به همین دلیل، باید در این زمینه فعالیت شود».

نباید نقدها معلق بماند

ساختارهایی که «علیرضا داوودنژاد»، کارگردان هم بر آنها تاکید می‌کند و نبود آنها را یکی از دلایل اهمیت پیدانکردن نقد در جامعه می‌داند. او به «شرق» می‌گوید: «در ابتدا باید بگوییم اینکه دولت اعلام می‌کند مرا نقد کنید، اتفاقی بسیار مثبت است. اما اینکه جامعه و مسئولان بخوانند خودشان را با نقد تطبیق دهند، نیاز به آمادگی دارد. ما هم‌زمان با اینکه به جامعه می‌گوییم بیاید ما را نقد کنید، باید به نهادهای و مسئولان هم بگوییم که شما باید روحیه نقدپذیری داشته باشید». او ادامه می‌دهد: «علاوه بر این فقط بیان نقد مهم نیست آنچه مهم‌تر است این است که نباید این نقدها معلق بماند. باید فضایی به وجود آید که نقدها به آسیب‌شناسی و جست‌وجوی راجع‌دل تبدیل شوند. رواج روحیه نقدپذیری قدم اول و قدم بعدی شناسایی مشکلات و جست‌وجوی راه‌حل‌هاست».

حاشیه‌امن برای رسانه‌ها

به‌جز ساختارهایی که نقد در آن امکان داشته باشد، رواج نقد به شرایط دیگری نیز نیاز دارد. شرایطی که خود رئیس‌جمهور هم در سخنانش بر آن تاکید کرد و از آن با عنوان رعایت اعتدال در نقد نام برد. «عبدالله ناصری»، مدیرعامل اسبق ایرنا، البته معتقد است آنچه بیش از رعایت اعتدال در نقد نیاز است، رعایت اخلاق در نقد است. او به «شرق» می‌گوید: «در جامعه ما نقد کمی‌بیش وجود دارد. مخصوصا نقد دولت، نقد بی‌رونی است؛ زیرا مخالفان دولت هم به دلیل ناکامی که در انتخابات ۹۲ و هم به این دلیل که قدرت سیاسی و رسانه‌ای بالایی دارند، دولت را به اشکال مختلف نقد می‌کنند. در رأس این منتقدان هم صداوسیما قرار دارد. آنچه وجود ندارد، نقد اخلاقی است». او درباره ویژگی‌های این نوع نقد می‌گوید: «نقد اخلاقی، نقد در چارچوب اخلاق ملی، اخلاق دینی و اخلاق اجتماعی است. علاوه‌براین آنچه درباره نقد مهم است این است که رسانه‌ها در یک حاشیه امن، دولت و غیردولت را نقد کنند».

پیشخوان

به دنیا آمده یا درگذشته‌اند. همچنین شاپور جورکش با دور تازه‌ای از مقالاتش در کارگاه شعر برگشته است تا از روایت در شعر دراماتیک برای مخاطبان کتاب هفته بگوید. امیر صدری نیز با ترجمه گزارشی، از چهارمین همکاری استیون اسپیلبرگ و تام هنکس گفته است.

از پیری و آرزوهایش گفته است. همچنین این شماره مصاحبه‌هایی با اکبر زنجان‌پور، یدالله صدقی و م. مؤید دارد که تازه‌های حوزه‌های سینمایی، ادبی و هنری را مورد بررسی قرار داده‌اند. مریم میری در دفتر ایام این شماره، به مرور بیوگرافی چهره‌هایی پرداخته است که در سومین هفته آذرماه